روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه پلاک ۶۹، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۹۲ ■ یکشنبه ۴ تیر ۱۳۸۵ ■ ۲۸ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۲۵ ژوئن ۲۰۰۶

آبادان	+۳۳+۴۷	بیرجند	+۲۴+۳۷	سنندج	+۱۷+۳۴	همدان	+۱۴+۳۵
اراک	+۱۶+۳۷	تهران	+۲۲+۳۹	شهرکرد	+۱۴+۳۴	یاسوج	+۲۰+۳۵
اردبیل	+۱۸+۲۹	تبریز	+۱۵+۳۳	شیراز	+۲۲+۳۸	یزد	+۲۵+۳۹
ارومیه	+۱۷+۳۴	خرم آباد	+۱۹+۳۸	قزوین	+۱۴+۳۰	دبی	+۳۱+۴۲
اصفهان	+۱۸+۳۶	رشت	+۲۲+۲۹	کرمان	+۲۱+۳۵	نجف	+۳۱+۴۶
اهواز	+۳۱+۴۷	زاهدان	+۲۴+۳۸	کرمانشاه	+۱۷+۳۶	مکه	+۱۴+۲۵
ایلام	+۲۴+۳۶	زنجان	+۱۴+۳۳	کاشان	+۲۱+۴۱	مدینه	+۲۹+۴۵
بجنورد	+۲۳+۳۷	زابل	+۳۰+۴۵	کیش	+۳۲+۳۸	لندن	+۱۲+۲۳
بندرعباس	+۳۱+۴۶	ساری	+۲۲+۳۲	گرگان	+۲۳+۳۹	پاریس	+۱۴+۲۵
بوشهر	+۳۳+۳۵	سمنان	+۲۱+۳۸	مشهد	+۲۴+۳۶	استانبول	+۱۶+۲۶

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۶ اذان مغرب ۱۹:۴۵ اذان صبح فردا ۳:۰۲

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سریال اولین شب آرامش (تکرار)	سه	۱۳/۴۰
قصه های جزیره	دو	۱۶/۰۰
سریال روشنایی های شهر	دو	۲۱/۰۰
ماموران مخفی پلیس	یک	۲۲/۰۰
سریال مرکز پزشکی	پنج	۲۳/۰۰

تئاتر امروز

قدم زدن روی ابر با چشمان بسته
سالن قشقایی تئاتر شهر ۱۸/۰۰
رکاب
سالن قشقایی تئاتر شهر ۲۰/۰۰

ادامه از صفحه اول

در آن سوی میدان اگر دو سه شوت سرکش بالاک، فرینگز، شواین اشتایگر و کلوزه با کمترین فاصله از کنار تیرهای دروازه به اوت نمی رفت و یا توسط ایساکسون مهار نمی شد گل های آلمان از رقم دو هم فراتر می رفت. نیمه دوم آشکارا با همت و عزم راسخ تر سوئدی ها برای جبران شروع شد. آنها چیزی برای از دست دادن نداشتند و باید می تاختند و منتظر فرصت و اقبال مساعد خود می ماندند. چنین فرصتی به بهترین شکل نصیب آنها شد. در دقیقه ۵۴ داور برخورد مدافع آلمان با هنریک لارسن در محوطه جریمه را پنالتی دانست و نفس در دل همگان حبس شد. این بهترین فرصت برای تیم سوم جام های جهانی ۱۹۵۸ و ۱۹۹۴ بود تا با گل کردن این پنالتی فاصله اش را با کشور فاتح سه دوره جام جهانی (۱۹۵۴، ۷۴ و ۹۰) به حداقل برساند و نتیجه را ۱-۲ کند، اما صبر و وقفه زیادی که صرف کاشتن توپ روی نقطه پنالتی شد و سروصدای زیاد تماشاگران حاضر در ورزشگاه و عصبی شدن لارسن سبب شد مهاجم نامدار تازه جدا شده از بارسلونا ضربه اش را به بدترین شکل به آسمان بالای دروازه بکوبد و آه از نهاد طرفداران سوئد برآورد و بازیکنان و هواداران آلمان را به اوج شادی برساند.

این یک ضربه روحی تازه به تیم سوئد بود و هر چند سوئدی ها سعی کردند با مانورهای پا به توپ لیونبرگ و ویلهلمسون (بازیکنی که به جای یانسن به میدان آمد) حادثه مذکور را به فراموشی بسپرند اما حقیقت را باید در واکنش مربی سوئد پس از به هدر رفتن پنالتی لارسن جست وجو می کردیم که چنان سرش را از فرط ناامیدی پائین گرفت که انگار دنیا در آن لحظه از بین رفته و تمامی امیدهای او پایان یافته است. این مربی مجبور بود هم در پی جبران عقب افتادگی ۲- صفر تیمش باشد و هم به مسئله ۱۰ نفره بودن سوئد در تقابل با میزبان تجهیز شده رقابت ها بیندیشد و فکری برای این قضیه هم بکند. اینچنین بود که دستور کار و روند حاکم در این لحظات حملات سوئد به قصد ایجاد گشایش در روند مسابقه و انجام بازی تاخیری از سوی آلمان برای حفظ نتیجه و چشم داشتن این تیم به ضدحملات و شوت های از پشت ۱۸ قدم بود. در ۲۰ دقیقه پایانی سر و کله مارکوس آلباک نیز در زمین پیدا شد و لاگربک او را به جای «ابراهیموویچ نه چندان موفق» راهی میدان کرد.

کلینزمن هم در این مقطع بوروفسکی و نویویل تازه نفس و در نهایت «سباستین کهل» جوان را به میدان فرستاد تا تیمش را از زیر فشار نسبی سوئد خارج کند و جان و نفسی تازه را به شاگردانش بدهد که مجبور بودند به هر حال به حفظ نتیجه بیندیشند و ریسک نکنند و بخشی از توان خود را برای بازی های بعدی ذخیره کنند.

با این حال بازی همان طور پیش می رفت که ژرمن ها می خواستند. آلباک که در دیدار با انگلیس یک گل با ضربه سر به حریف زده و عقب ماندگی سوئد را در نهایت به تساوی ۲-۲ بدل کرده بود، به جای اینکه تاثیری مثبت را به جای نهد، به دلیل خطا روی ژرمن ها به جمع اخطاری های بازی اضافه شد و یاران او هم هر چقدر که تلاش می کردند، نمی توانستند از تعداد شوت ها و بخت آزمایی های بازیکنان آلمان و به خصوص بالاک جلوگیری کنند. به واقع اگر ایساکسون در این مقطع درون دروازه سوئد نمی درخشید و شوت های محکم امثال بالاک و نویویل را دفع نمی کرد، آلمان حداقل دو گل دیگر می زد.

هر چه بود بازی با همان نتیجه صفر- ۲ به سود آلمان و به واقع با همان توفان مقطع آغازین مسابقه و با گل هایی که پودولسکی جوان به ثمر رسانده بود به نفع آلمان پایان گرفت و پس از کشیدن سوت پایانی، سوئد به هفدهمین حذف شده جام بدل شد و میزبان و هوادارانش غرق در سرور شدند. حالا آلمان در یک چهارم نهایی حاضر است و در این مرحله با برنده بازی آرژانتین - مکزیک روبه رو خواهد شد که این دیدار دیروقت دیشب برگزار شد. سئوال این است: آیا آلمان بازی به بازی بهتر و قاطع تر نمی شود و آیا این مسئله رقبای میزبان را بیش از پیش نگران نکرده است؟

فرهنگ

رضا میرکریمی؛ فرش ایرانی و به همین سادگی

خبرساز

در حالی که خبرگزاری ایرانیوز دیروز خبری را روی تلکس خود منتشر کرد که میرکریمی پیش تولید فیلم جدید خود را از شهریورماه آغاز می کند، میرکریمی دیروز با تکمیل این خبر به خبرنگار شرق گفت فیلمبرداری جدیدترین فیلم خود با عنوان به همین سادگی را از آبان ماه آغاز می کند. میرکریمی افزود: فیلمنامه این فیلم با همکاری شادمهر راستین نوشته شده است. این کارگردان مطرح سینما این روزها درگیر تولید پروژه ساخت فیلم درباره فرش ایرانی است. پروژه ای که میرکریمی تهیه کننده آن است و ۱۵ کارگردان مطرح سینمای ایران درآن حضور دارند. پروژه ای که به سفارش مرکز ملی فرش ایران تهیه می شود و منوچهر محمدی به عنوان مشاور و جواد نوروزبیگی نیز به عنوان مدیر تولید در این پروژه حضور دارند. درگیری میرکریمی در پروژه فرش تا حدی است که از اکران فیلم اینجا چراغی روشن است چندان اطلاعی ندارد؛ فیلمی که پنج سال از ساخت آن می گذرد. اما در پروژه فرش، فیلمبرداری فیلم بهروز افخمی درباره فرش ایرانی هم اکنون ادامه دارد و قرار است فرخ مجیدی نیز به آلمان و فرانسه و خود افخمی نیز به اسپانیا برود. تصویربرداری فیلم مستند راعی با عنوان «فرمایش آقا سیدرضا زنجانی» به پایان رسیده و تدوین این فیلم آغاز شده است. نورالدین زرین کلک هم ساخت انیمیشن خود درباره قالی ایرانی را شروع کرده و از فیلم مستند رخشان بنی اعتماد درباره فرش ایرانی تنها یک روز فیلمبرداری مانده و هم اکنون تدوین این فیلم در حال انجام است. سیف الله داد کارگردان مطرح سینما پس از ۱۱ سال دوری از فیلمسازی، با ساخت مستندی درباره فرش ایرانی با حضور بازیگران حرفه ای پشت دوربین می رود. فیلم کوتاه «فرش و فرشته» به کارگردانی داریوش مهرجویی نیز در مرحله تنظیم جلوه های ویژه کامپیوتری قرار دارد. فیلم های عباس کیارستمی، بهرام بیضایی و کمال تبریزی نیز هم اکنون در مرحله مونتاژ قرار دارند. همچنین به گزارش خبرگزاری هنر مستند مجیدی درباره فرش ایرانی هم اکنون توسط دلپاک در مرحله صداگذاری قرار دارد. فیلم خسرو سینایی نیز آماده نمایش است. ده روز دیگر فیلمبرداری فیلم محمدرضا هنرمند آغاز می شود و مسعود جعفری جوزانی، تحقیقات خود را به پایان رسانده و منتظر فرصتی برای ساخت فیلم است. حاتمی کیا نیز بعد از اتمام سریال حلقه سبز به این جمع می پیوندد.

بازگشت واروژ

سینما

در اواخر دهه ۶۰ «پرده آخر» در نهمین دوره جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و در ۱۴ رشته کاندید و هشت رشته برنده سیمرغ بلورین شد؛ تا یکی از مهمترین فیلم های دو دهه گذشته تاریخ سینمای ایران تنها اثر «واروژ کریم مسیحی» باشد. ا«کریم مسیحی» که تا پیش از ساخت این فیلم همه او را به عنوان دستیار بهرام بیضایی می شناختند با ساخت «پرده آخر» نامش را در کنار سینماگران مطرح ایران به ثبت رساند. اما حفظ این جایگاه به دوری ۱۵ ساله او از سینما انجامید و هرگز نامش در تیتراژ هیچ فیلمی به عنوان کارگردان روی پرده نیامد. تا اینکه چندی پیش او در گفت وگوی کوتاهی با یکی از خبرگزاری ها از ساخت فیلمی با نام «تردید» خبر داد که کار نگارش آن را از یک سال پیش آغاز کرده و تا پایان خردادماه به پایان می رساند. این فیلم که درامی شهری و معاصر دارد در حال حاضر برای دریافت پروانه ساخت به تهیه کنندگی محمدمهدی دادگو به اداره ارشاد فرستاده شده است. فیلمسازی واروژ کریم مسیحی پس از ۱۵ سال دوری از سینما آنقدر دور از ذهن است که تا زمانی که او را پشت دوربین نبینیم نمی توان این خبر را به صورت قطعی باور کنیم. کریم مسیحی متولد ۱۳۲۱ اراک، پس از پایان تحصیلات دبیرستانی در سال ۱۳۴۸ به آلمان رفت. دوستی با یک بازیگر آلمانی تئاتر موجب علاقه او به هنر نمایش گردید. در بازگشت به ایران در سال های آغازین دهه ۵۰ به فعالیت هنری گرایش پیدا کرد و به عنوان دستیار کارگردان در فیلم «رگبار» بیضایی به تجربه اندوزی پرداخت و به عنوان یکی از همراهان همیشگی بیضایی در سال های بعد به عنوان دستیار در «غریبه و مه»، «شاید وقتی دیگر»، «مرگ یزدگرد»، «چریکه تارا» و در «مسافران» به عنوان مشاور با بیضایی همراه شد. «واروژ» در کنار دستیاری در سال های پیش از انقلاب اسلامی ابتدا به کارگردانی و نوشتن فیلمنامه برای آثار کوتاه پرداخت و با پیوستن به کانون پرورش فکری در سال ۱۳۴۵ نخستین تجربه خود «فاخته» را نوشت و کارگردانی کرد و در سال ۵۶ «کوچ» را به عنوان دومین فیلم کوتاهش ساخت. او پیش از انقلاب با کامران شیردل در «صبح روز چهارم»، امیر نادری در «تنگنا» و بهمن فرمان آرا در «شازده احتجاب» به عنوان دستیار همکاری کرد و بالاخره حاصل سال ها مطالعه و تجارب عملی خود را در قالب نخستین اثر حرفه ای اش در سال ۱۳۶۹ با فیلم بحث انگیز و زیبای «پرده آخر» براساس فیلمنامه ای از خودش کارگردانی کرد.

■ **برگزاری مجمع عمومی فیلمسازان سینما**

نخستین مجمع عمومی فیلمسازان سینمای ایران به منظور انتخاب اعضای شورای مرکزی با دعوت هیات موسس مجمع برگزار می شود. روابط عمومی خانه سینما اعلام کرد هیات موسس این تشکل با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد: پیرو درخواست های مکرر کارگردانان سینمای ایران مبنی بر ضرورت ایجاد تشکل صنفی برای دفاع از منافع تهیه کنندگی گروه یادشده و حمایت از تولید آثار ارزشمند سینمای پس از انقلاب که توسط این گروه تولید شده، «مجمع فیلمسازان سینمای ایران» در شرف تاسیس قرار گرفته و تعداد قابل توجهی از کارگردانان و تهیه کنندگان معتبر سینمای ایران با تائید کتبی نظر مثبت خود را با تاسیس مجمع اعلام کرده اند.

«اکبر آقا آکتور تئاتر» می آید

تئاتر

داوود رشیدی و اکبر عبدی از هنرمندان نام آشنایی هستند که قرار است پس از مدتی رکود تئاتر، نمایش هایی را روی صحنه ببرند. رشیدی نمایشنامه «دایی وانیا» نوشته آنتوان چخوف را به اداره کل هنرهای نمایشی ارائه داد. اکبر عبدی نیز نمایش «اکبر آقا آکتور تئاتر» را از اول مردادماه به مدت ۴۵ شب در تالار سنگلج اجرا می کند. رشیدی درباره این نمایشنامه گفت: «دایی وانیا» یکی از نمایشنامه های مورد علاقه من است که از مدت ها پیش قصد داشتم این نمایش را روی صحنه ببرم و احتمالاً این نمایش بعد از ماه رمضان در تالار اصلی تئاتر شهر روی صحنه می رود. رشیدی قرار بود سال گذشته نمایش «مهمان» نوشته اریک امانوئل اشمیت را روی صحنه ببرد. او در این باره گفت: «فکر نمی کنم امکان اجرای این نمایش وجود داشته باشد و احتمالاً این نمایشنامه مجوز اجرا نمی گیرد. در صورتی که نمایشنامه دیگری را برای اجرا مناسب ببینم آن را پیشنهاد می دهم و در صورتی که بازیگران کمتری داشته باشد، در تالار دیگری غیر از تالار اصلی آن را روی صحنه می برم.» رشیدی همچنین مردادماه امسال در نمایش «زمین مقدس» به کارگردانی ایوب آقاخانی در مجموعه تئاترشهر روی صحنه می رود. اکبر عبدی نیز «اکبر آقا آکتور تئاتر» را در تالار سنگلج روی صحنه می برد. محمود فرهنگ مدیر تالار سنگلج به ایران تئاتر گفت: «این نمایش را سیدعظیم موسوی نوشته است و بازیگرانی چون اکبر عبدی، محمود راسخ فرد، هاشم روحانی، سعید کنگرانی، دانیال عبدی، ملیحه موسوی، شقایق رهبری، فرزانه نوشادی، شیرین امامی، علی اصغر شریفی و محسن افشار در آن بازی می کنند.»

پایین بیا

نگاه طراح

جمال رحمتی

غافل از درگیری

تصویر جام

حامد یوسفی: اگر برای کارگردانی تلویزیونی مسابقه فوتبال دو وظیفه قائل باشیم، وظیفه دوم (پس از وظیفه تعقیب کامل مسیر توپ در زمین) آن است که از طریق تعویض به موقع دوربین ها هیجان مسابقه را تشدید کند. در واقع بزرگترین کارگردانان تلویزیونی فوتبال، کارگردانانی هستند که تماشای تلویزیونی فوتبالی که آنها سوئیچ کرده اند، لذت بخش تر از تماشای همان مسابقه در ورزشگاه باشد. نپرسید که «مگر چنین چیزی امکان پذیر است؟» چون نه تنها امکان پذیر است بلکه چنین کارگردانان زبردستی در دنیا کم شمار هم نیستند. اگر تماشای مستقیم مسابقه در ورزشگاه هیجان ناشی از هم نفسی تعداد کثیری تماشاگر پرسر و صدا را با خود دارد و موسیقی فریادها و حرکات موزون عامل جذاب تر شدن آن است، کارگردان تلویزیونی نیز امکان تاکید گذاردن بر برخی عناصر و بی اهمیت جلوه دادن برخی دیگر از عناصر را در اختیار دارد و بازی تاکید گذاشتن / بی اهمیت گذشتن ابزار پیچیده ای در اختیار او قرار می دهد که به لطف آن می تواند مسابقه فوتبال را هیجانی تر از آن چیزی کند که واقعاً هست. به عبارت دیگر وظیفه دوم کارگردان تلویزیونی مسابقه فوتبال استفاده حداکثری از جادوی سینما برای دستکاری واقعیت در راستای جذاب تر کردن آن است. و این درست همان کاری است که هیچ کدام از کارگردانان تلویزیونی مسابقات جام جهانی امسال تاکنون نکرده اند. آنها البته از پس وظیفه اول خود، یعنی تعقیب کامل مسیر توپ و گم نکردن آن به خوبی برآمده اند، اما این کار چیزی نیست مگر بازنمایی صرف واقعیت زمین. درحالی که هنر کارگردان باید این باشد که به لطف سینما، چیزی به واقعیت زمین بیفزاید و بازی را برای تماشاگران تلویزیونی جذاب تر از واقعیت جاری در زمین کند. اجازه بدهید مشخص تر حرف بزنیم. تمامی دوربین هایی که کارگردان مسابقه در اختیار دارد، از دو دسته خارج نیستند دسته اول یک تا سه دوربین اصلی کارگردان را دربرمی گیرد که غالباً نمای عمومی زمین را در کادر دارند و البته در حال تعقیب توپ در لانگ شات هستند. دسته دوم دوربین هایی هستند که شات های یک نفره یا دونفره از بازیکنان صاحب توپ مخابره می کنند. دستورالعمل اساسی ای که یک کارگردان ماهر باید رعایت کند تا هیجان مسابقه را افزایش بخشد، این است که مسابقه به صورت عادی در لانگ شات به نمایش درآید، اما به محض اینکه بازیکنی با بازیکن دیگر درگیر شد و اتفاق خاصی روی داد (دریبل، خطا و . . .) کارگردان کات کند به دیتیل این درگیری. به این ترتیب درگیری های درون زمین که بخش عمده ای از هیجان فوتبال را ایجاد می کنند، با اغراق بیشتری روی صفحه های تلویزیون نمایش داده می شوند. مشکل اصلی کارگردانان جام جهانی امسال (برخلاف کارگردانی مسابقات جام ملت های اروپا) این است که کارگردان بدون توجه به ریتم بازی در زمین دوربین هایش را عوض می کند. در اغلب درگیری ها هیچ نمای جزء نگری روی آنتن نفرستاده است و نماهای یک نفره یا دونفره اش بازیکنان را در حالتی عادی و غیردرگیر نمایش می دهد. از امشب دقت کنید! می بینید که تقریباً تمام دریبل ها یا خطاها را نه در نمایش اصلی بازی که در نمایش نماهای حرکت آهسته، می توانیم با جزئیات ببینیم. شاید به همین دلیل است که خیلی از مسابقات باشگاهی (علی الخصوص مسابقاتی که کارگردانان انگلیسی با توانایی خاصی آنها را مطابق دستورالعمل فوق الذکر سوئیچ می کنند) به نظرمان جذاب تر و دلچسب تر از مسابقات جام جهانی امسال می آید.

رسول نجفیان و اجرای موزیکال «رستم و سهراب»

خبرساز

رسول نجفیان بعد از مدت ها دوری از عرصه تئاتر، نمایش «رستم و سهراب» را با الهام از نقاشی های قهوه خانه ای و به صورت موزیکال به روی صحنه می برد. نجفیان درباره این نمایش به ایسنا گفت: اجرای نمایش «رستم و سهراب» حاصل ده سال تلاش من در حوزه موسیقی و آوازهای فولکلور شهرها و روستاهای مختلف است، که در تمام این سال ها جمع آوری کرده ام. وی اضافه کرد: این نمایش با سبک خاصی و به صورت موزیکال، براساس شاهنامه فردوسی و بدون دیالوگ اجرا می شود و بیشترین تاکید آن بر موسیقی، حرکت و شکلی از قوالی است. نجفیان کار را برگرفته از نقاشی های قهوه خانه ای دانست و گفت: دور تا دور صحنه نمایش با تابلوهای قهوه خانه ای پوشیده شده است و شخصیت های شاهنامه از دل این نقاشی ها بیرون می آیند و تابلوها را زنده می کنند.

اتفاق هایی که جریان نمی شوند

نگاه روز

حسین یاغچی: مدتی است که تب اقتباس سینمایی از رمان های ایرانی بالا گرفته است و هر روز نام رمان های جدیدی برای اقتباس سینمایی اعلام می شود. این ماجرا از آن روز آغاز شد که بنیاد سینمایی فارابی اعلام کرد بودجه جداگانه ای برای بخش اقتباس در نظر گرفته است و بر همین اساس می خواهد فیلم هایی را تولید کند. مثل تمام پروژه های فرهنگی این سال ها، بخش دولتی آغازگر این کار بود و به نظر می رسد تا پایان راه نیز مسئولیت های اساسی به عهده بخش دولتی خواهد بود. اگر سینمای ایران، بخش خصوصی قدرتمند و معتبری داشت که حاضر بود برای پروژه هایش ریسک کند و سرمایه گذاری میان مدت و بلندمدت انجام دهد، آن وقت می شد به شکل گرفتن یک جریان سینمایی از دل اقتباس از رمان های ایرانی امید داشت. چه، اگر بخش خصوصی سینمای ایران، ویژگی های برشمرده را دارا بود، این ماجرای اقتباس، سال ها قبل شکل گرفته بود و امروز، نسل جدید سینماروها آثار ماندگار ادبیات ایران را بر پرده سینما دیده بودند و درباره این آثار، صاحب دیدگاه بودند. اما حالا که در غیاب بخش خصوصی قدرتمند، این بخش دولتی است که نقش آفرینی می کند می توان پیشنهاداتی را ارائه کرد که از یک سو به شکل گرفتن یک جریان سینمایی یاری رساند و از سوی دیگر در بخش خصوصی سینما هم تحرکی ایجاد کند. از نام داستان هایی که اعلام شده می توان دریافت که بار دیگر دست اندرکاران سینما قصد دارند تولیدی بی دردسر را پیش ببرند و هزینه های تولید را تا جایی که می شود سرشکن کنند. در واقع به نظر می رسد که مشکل اقتباس از آثار ادبی، تنها در خرید امتیاز این آثار خلاصه می شده و حالا که این مشکل رفع شده است باید آثاری را انتخاب کرد که تولیدی مشابه تولید سایر فیلم ها دارند و تنها فرقشان این است که از یک اثر ادبی اقتباس شده اند. در اینجا بخش دولتی می تواند با تغییر دیدگاه هایش در نحوه انتخاب آثار، تحولی را که مورد نظر است ایجاد کند. یعنی به سراغ اقتباس از آثاری برود که استفاده نکردن از آنها در سینما تنها به خاطر خرید امتیازشان نبوده، بلکه دلیل اصلی از شرایط سخت تولید این آثار چه به لحاظ تکنیکی و چه به لحاظ اقتصادی ناشی می شده است. اگر این رویکرد توسط بخش دولتی انتخاب شود آن وقت می توان امید داشت فیلم هایی تولید شوند که سقف امکانات تولید در سینمای ایران را یک پله بالاتر می برند و بازارهای جدیدی از مخاطبان برای این سینما ایجاد می کنند. در غیر این صورت، این پروژه هم به جمع پروژه هایی می پیوندد که در طول این سال ها آغاز شده اند و هیچ جریانی از دل آنها بیرون نیامده است.

تولدتان مبارک

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

کار من شده است ماله کشیدن بر فرمایش های گهربار قلندران پیژامه پوش. من چه گناهی دارم که این حضرات روحیه زشت و ناپسند زن ستیزی دارند؟ از کت و کول افتادم از بس در جواب ای میل های مردم همیشه در صحنه با حروف فینگلیش با مد و تشدید نوشتم که غلط کردم ببخشید. البته که پیرمردان بی نزاکتی می کنند و خاصه در این امر فمینیسم زیاده روی می فرمایند و اصلاً متوجه شرایط خاص کشور که از یک سو هنوز سر و صدای میدان هفتم تیر [ببخشید فراموش کردم که حق ندارم در این امور عرض اندام کنم] نخوابیده و از یک سو این بسته محترم اروپا هنوز باز نشده و دیده نشده بلکه پسندیده شود [و به من چه مربوط است که باز شود یا نشود بلکه پسندیده بشود یا نشود]و از سویی هم غائله فوتبال که هنوز نخوابیده و پسر ارشد آقا مصطفی جناب استاد دادکان گفته «من کجا برم؟ رئیس ان جی او را که تربیت بدنی نمی تواند عوض کند. . . » [این یکی دیگر به من ربط دارد. فکر کنم] و خلاصه در این برهه حساس که نباید هر گره ای را با دندان باز کرد چرا پیر مردان می خواهند گره فمینیسم را با دندان. . . [راستی پیر مردان که دندان ندارند. نکند اینجا هم من باید جور ایشان را بکشم؟] خلاصه در این شرایط حرفی که در ستون کرگدن نامه درباره زن کشی زده شد کار صحیحی نبود و اگر چه اشتباه را کس یا کسان دیگری مرتکب شده بودند جور عذرخواهی را باید من می کشیدم که کشیدم.

آقای کپورچالی: تو شدی آصفی گروه. من جای تو بودم به جای عذرخواهی تکذیب می کردم. ممکن است اولش سخت باشد اما عادت می کنی.

آقای امیرشاهی: بحث را سیاسی نکنید وگرنه همه مان باید با مد و تشدید همان فرمایش جناب میرفتاح را عرض کنیم.

آقای مویدی: به جای این حرف ها بیایید تولد استاد شکرخواه را گرامی بداریم.

آقای روشن ضمیر: الکی الکی مردم برای خودشون تولد می گیرندها. بعد هم چندتا تولد؟ چند روز پیش- یعنی چند هفته پیش توی صفحه آخر شرق نوشته بودند تولد استاد است. حالا تو صفحه اعتماد ملی نوشته اند تولد است. . .

آقای کپورچالی: روایت ها مختلف است. در این زمینه چند تا روایت داریم. یکی روایت استاد فرید قاسمی است که شرق مطابق آن روایت آن روز را تولد گرفت روایت دوم مال یک مورخ دیگر است. یک روایت سوم هم هست که احتمالاً روزنامه آقای دعایی دهه سوم را تولد می گیرند.

میرفتاح: ببینم می توانید رابطه ما را با اساتید خراب کنید؟ مگر ما چند تا استاد روزنامه نگاری داریم که شما. . .

آقای امیرشاهی: یادداشت فوتبال چی بود دیروز نوشته بودی؟

آقای مویدی: اتفاقاً راست گفته بود. هر سال این همه پول خرج می کنیم آخرش هم هیچی به هیچی.

آقای روشن ضمیر: حالا تکلیف دادکان چی می شود؟

آقای کپورچالی: اینها را ول کن. بگو ما کی تولد بگیریم؟

آقای امیرشاهی: چطور تولد نیکول کیدمن را بگیریم عیبی ندارد بعد سر شصت سالگی دکتر سروش و پنجاه سالگی شکرخواه و چهل سالگی میرفتاح و سی سالگی ابک و بیست سالگی یاغچی و ده سالگی. . . ان قلت وارد می کنید؟

آقای مویدی: ما ایرانی ها جان به جانمان کنند مرده پرستیم. همه مشکل ما با اینها این است که زنده اند. دور از جانشان اگر مویی از سرشان کم شده بود الان همه داشتیم خاطره جعل می کردیم که مثلاً من بودم و مرحوم فلانی و. . .

میرفتاح: این حرف ها را بگذارید کنار. فعلاً باید به طور رسمی از خانم ها بابت آن شوخی عذرخواهی کنید.

آقای کپورچالی: چه کار سختی داریم ما؟ نمی شود به کسی گفت که بالای چشمت ابرو است.

آقای امیرشاهی: من سرم هم برود از کسی یعنی از هیچ زنی عذرخواهی نمی کنم.

آقای روشن ضمیر: من هم نمی کنم.

آقای مویدی: من محض خاطر این جوان عذرخواهی می کنم و به عرض می رسانم که اگر عذر نخواهم چه بخواهم؟

مجله

نامه به مخملباف در «فیلم»

شماره جدید ماهنامه «فیلم» منتشر شد. «دو نقد بر به آهستگی»، «گفت وگو با کیومرث پوراحمد و محمدرضا فروتن درباره به آهستگی و باغ های کندلوس»، «نقد مستند کدام استقلال؟ کدام پیروزی؟» و «چند می گیری گریه کنی» از مطالب بخش نقد فیلم است. «رمز داوینچی و پیامدهای نمایش عمومی آن»، «درآمد بازیگران هالیوود»، «فیلم های روز: گل! رویا آغاز می شود و رمز داوینچی، حباب، او اس اس ۱۱۷؛ قاهره، لانه جاسوس ها، ترانه جک و رز، جان وین: فیلمساز و اسطوره، افتخار شوالیه، فیلم ترسناک ۴» از مطالب بخش سینمای جهان این شماره «فیلم» است. در بخش مونولوگ این شماره نیز نامه به محسن مخملباف با عنوان چراغی که به خانه روا بود دیده می شود. در بخش حال و هوای کن نیز گزارشی از پنجاه و نهمین جشنواره کن منتشر شده است. دیداری تازه با علی کسمایی مطلب بخش صدای آشنا است و «ملاحظاتی درباره سینمای مستند» در بخش خشت خام آمده است. «درباره سریال به شرط خنده»، «کارگردانان سینما در تلویزیون» و «تاثیر جام جهانی بر رونق بازار تلویزیون» نیز مطالب بخش در تلویزیون این شماره است. شماره ۲۴۸ نشریه فیلم در ۱۳۲ صفحه و با قیمت ۸۰۰ تومان منتشر شده است.

نیازمندیهای شرق
انتخاب اول
آگهی خود را به روز بخوانید
تا ساعت ۲ بعدازظهر دریافت آگهی
انتشار روز بعد

دبیرستانی ها
در اردوی رایگان برای کنکور دانشگاه آزاد شرکت کنید.
فقط دانش آموزان سوم دبیرستان
دوره ی دروس سوم دبیرستان
زمان کلاس ها ۱ تا ۵ تیر
کانون فرهنگی آموزش تلفن ثبت نام ۷۶ ۸۶ ۹۷ ۸۸